

## پژوهشی در «اجازه نامه» یا «اذن نامه» در قلمرو هنر خوشنویسی\*

احدروان جو\*\*

دانشجوی دکترای پژوهش هنر، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.  
(تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱۱/۹، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۳/۷)

### چکیده

این مقاله به رسم اجازه ستانی و اجازه دهی در آموزش سنتی خوشنویسی می پردازد. شیوه ی درخواست «اجازه» توسط شاگرد پس از اتمام آموزش ها در خوشنویسی به عنوان آزمون صلاحیت شاگرد تلقی می شود که شاگرد تمام آموخته های خود را، با زبردستی در مرقعی فراهم می آورد، تا استاد به فراغت او از تحصیل در فن شریف خوشنویسی رأی بدهد. این نوشتار ابتدا به حکمت کسب «اجازه» پرداخته، آنگاه در باره روال کسب اجازه و ورود شاگرد به صنف بحث می کند. ضرورت ستاندن اجازه برای شاگردی که سال ها فراگیری خوشنویسی را از مبتدی تا استادی با دقت سپری کرده، برای احراز پیشه خطاطی بسیار مهم است. اهمیت آن هنگامی دوچندان می شود که دریابد پس از ستاندن «اجازه» باید در پاسداشت استاد خود به عنوان مروج شیوه هنری سلسله ی استادان پیشین کوشا باشد. سنت «اجازه» دهی در علوم انسانی، صنوف جوانمردان و مصنفان پیشه های کتاب آرای مرسوم بوده است. شاگرد با ستاندن اجازه، اجازه ی همکار شدن با استاد خود را می یابد و تجربه اندوزی را آغاز می کند. حکمت سپردن اجازه به شاگرد جامعه ی هنری، منش استاد اجازه دهنده و شاگرد مشتاق را تحت تأثیر می نهد و در آخرین حلقه ی آموزش یعنی سپردن «اجازه» سنت پایدار حرمت استاد را در نظام آموزش استاد-شاگردی گوشزد می کند.

### واژه های کلیدی

اجازه، استاد، شاگرد، نظام آموزش استاد-شاگردی.

\* این مقاله برگرفته از رساله ی دکتری نگارنده می باشد که در پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران در دست انجام می باشد. بدینوسیله از راهنمایی های بی دریغ استاد گرانقدر جناب آقای دکتر یعقوب آژند قدردانی می گردد  
\*\* تلفن: ۰۹۱۲۵۴۹۶۰۲۹، نمابر: ۰۲۱-۶۶۹۶۲۵۹۳، E-mail: ravanjoo.ahmad@gmail.com

## مقدمه

می‌یابد تا صورت‌بندی آموزش خوشنویسی در حین فرادهی جزئیات حساب‌شده، دارای طرح‌ریزی کلی نیز باشد. از منظر شاگردی، افزون بر آموختن فنون خوشنویسی، بزرگی منش استاد فرهمند جذبه‌ای می‌سازد که هنرآموز مجذوب آن شده، راه راستی، اعتدال و تحصیل صفات حمیده پیشه می‌کند.

از معمولی‌ترین امور در کلاس‌های خوشنویسی، ارائه و تنظیم سرمشق از ساده به پیچیده با ترکیب‌های طبقه‌بندی شده توسط استاد است، تا شاگرد پس از مطالعه‌ی بصری خطوط استادان، تمرین و ممارست و نقل هر سرمشق، بتواند با کیفیات خط آگاه شود، یک مرحله به جلو و یک قدم فراتر رود. استادان خوشنویسی مراتب آثار خوشنویسی و درجات شاگردان برای خوشنویس شدن را از «مبتدی» تا استادی و کسب «اجازه» برای تعلیم شاگردان و آموختن خطاطی، به چهار مرحله تقسیم کرده‌اند.

«در تعیین کیفیت هر کتاب و قطعه و کتیبه و غیره، ذوق خود را حاکم شناخته و داوری سلیقه شخصی را در آن کافی داشته و درجات هنر هر کاتب و خطاط را در چهار مرتبه، قرار داده‌ام، به این تفصیل: آنچه به حداقل خوشنویسی بوده است «متوسط» و از آن برتر را «خوش» و فراتر از آن را «عالی» و آنچه مافوق آن را محال یا بسیار دشوار دانسته‌ام «ممتاز» خوانده‌ام» (بیانی، ۱۳۶۳، ۳؛ فضایی، ۱۳۶۰، ۲۶).

استاد با سه گونه تمرین، شاگرد را به ممارست و فراگیری خوشنویسی دعوت می‌کند. نخست با «مشق نظری» برای کسب تجربه‌ی بصری و لذت دیداری از خط، پس از آن با «مشق قلمی» برای ایجاد مهارت عملی و سپس با «مشق خیالی» به پرورش خلاقیت و نوآوری در شاگرد، همت می‌گمارد.

از آنجا که هنر خوشنویسی دارای آداب معنوی و وجهی مقدس به واسطه‌ی تحریر کلام‌الله مجید است، هنرمند خوشنویس نیز باید به صفات و ملکات نفسانی آراسته شود تا روح او به اعتدال برسد و جذابیت منش والای او که به اعتدال درآمده در خط او آینه‌وار انعکاس یابد. خوشنویسی، از هنرهای بسیار دقیق و حوصله‌طلبی است که هر گوشه‌ی آن، از ظرایف هنری و فنی سرشار است. از مهم‌ترین مسایل آموزش سنتی خوشنویسی می‌توان به آموزش حضوری نزد استاد و مشق‌های دقیق و پیایی برای استواری آموخته‌ها و تجربه‌های تازه نام برد. با تحقیق و پژوهش در آموزش هنر خوشنویسی، درمی‌یابیم آنچه استادان در فراگیری خوشنویسی به مبتدیان و شاگردان خود می‌آموزند، به شکل حضوری، بی‌تکلف، عملی و بیانی دارد که در طی آن هنرآموز را با فرایند کلی و جزئی آموزش خوشنویسی آشنا می‌کند. استاد تلاش دارد شاگرد را با نمایش حرکات قلم خود آشنا کند. بی‌تردید این آموزه‌ها می‌توانند به شاگرد یاد دهند که چگونه باید قلم به دست بگیرد و به تحریر حروف، مفردات، ترکیبات و اتصالات بپردازد. قلم چگونه باید تراش و قط بخورد. باری روال آموزش بر این شیوه بنا نهاده می‌شود که در هر نشست، نکات فنی از استاد به شاگرد انتقال می‌یابد بنا به رسم هر آموزش کارگاهی، تکلیفی به عهده‌ی شاگرد نهاده می‌شود تا براساس آن، در جلسه‌ی دیگر، قسمی دیگر از آموزش برای او پی گرفته شود. استاد به فراخور حال شاگرد، میزان فراگیری، استعداد و توانایی، به آموزش و تفهیم او همت می‌گمارد، و برنامه‌ی صورت‌پذیری مشق‌های او را نظارت می‌کند. در هر جلسه قوت یا ضعف شاگرد با غلط‌گیری و تحلیل مشق پیشین و طرح سرمشق تازه بنا به آموخته‌های او، تعلیم ادامه

## ۱- «اجازه» ستانی

منتقل می‌شد و نیز امور حسبیه که زندگی شرعی مردم و اهالی مدینه را سامان می‌داد، دربرگیرد.

شاگردان و هنرجویان که به فراگیری علوم و فنون اسلامی اشتغال داشتند، پس از کسب مهارت از مشایخ و استادان رشته‌ی خود، مکتوبی را دریافت می‌داشتند که به منزله فراغت از تحصیل علم مربوطه و سرآمد شدن در آن و نیز در هنر به مثابه استاد شدن شاگرد تلقی می‌شد و نیز قسم مهمی از اجازه‌نامه‌ها به نقل حدیث و روایت و یا استنساخ کتب و مکتوبات استادان و شیوخ مربوط می‌شد.

از این‌رو اقسام گوناگون اجازه‌نامه به گروه‌های متفاوت علمی و فنی مربوط می‌شوند. محدثان نیز نوعی اجازه‌نامه داشتند که چهار رکن

اجازه‌دهی و اجازه‌ستانی بدین شرح در آن مطرح است:

«۱- اجازه‌دهنده ۲- اجازه‌گیرنده ۳- لفظ اجازه ۵- مورد اجازه» (مایل هروی، ۱۳۷۷، ۲).

آنچه مسلم است این است که کسب اجازه در حوزه علوم دینی، نقل حدیث و نقل آثار علمی و استنساخ آنها، گواهی استادی شاگرد، مدرکی بی‌خدشه برای صحت آثار علمی و شاهی بر سلامت روابط فرهنگی میان اهل علم تلقی می‌شود. نوع مکتوب این اسناد روال منطقی و سیر تکاملی آموزش سنتی علوم و فنون را نشان می‌دهد.

در نظام‌های آموزش سنتی آغاز و پایان دوره‌ی آموزشی با مراسم و آیین‌هایی مشهود و ملحوظ می‌شود. در نظام آموزش سنتی چه در حوزه‌های علوم انسانی چون نقل حدیث، کلام، فقه و حقوق اسلامی، و چه در مکاتب و کارگاه‌های آموزش علوم و فنون هنری و پیشه‌های بازار، ورود دانشجو، طلبه و هنرجو با آزمون اخلاقی و تأیید شاگرد توسط استادان و نیز پذیرش او به لحاظ توانایی بر فراگیری فنون رشته آغاز می‌شد و در پایان آموزش‌ها و بلوغ علمی و هنری شاگرد، استادان با اذن دادن او را در جرگه‌ی خود به عنوان همکار و هم‌صنف می‌پذیرفتند. این تأییدیه به امضاء و توشیح استادان فن می‌رسید تا اعلانی بر پایان دروس و کمال شاگرد باشد.

واژه «اجازه» از باب افعال به معنی «دستوری دادن، روا داشتن، رخصت دادن و صلح و جایزه دادن به کسی است و نیز بر کتیبه، تقریر، دیپلم و گواهی که در میان اهل سنت و امامیه، عالمی دهد به کسی که او صلاحیت فتوی دارد» (معین، ۱۳۷۱، ۱۴۴۱).

واژه‌ی «اجازه» نخست در حوزه نقل روایات و احادیث بزرگان دین و نیز آموزش علوم دینی به کار رفت. به‌طور گسترده در تمام علوم اسلامی و حتی آموزش فنون و هنرها رسم «اجازه» دادن و اجازه گرفتن متداول شد. تا در همه‌ی آموزش‌هایی که از استاد به شاگرد

که شاگرد نزد او ملاذمت نموده است و سرمشق از او گرفته، قید می‌شود و ردی از شیوه استوار استاد بر جا می‌ماند و شاگرد، ادامه‌دهنده و پیگیر، بعضاً جوان و تازه‌نفس، با شیوهی استاد یا به میدان ارائه اثر هنری می‌گذارد و در میدان رقابت میان سبک‌ها و شیوه‌های خوشنویسی و یا صحافی و دیگر هنرهای مربوطه، عرض اندام می‌کند و گواهی زنده و پرتوان بر پایدار بودن شیوه استادان خود است. بدین ترتیب می‌توان از طریق سند «اجازه» به شجره استادان سلف در روند رسیدن شیوه به شاگرد تفحص نمود و معبری معتبر و گویا برای پژوهش در این امر یافت.

- سند «اجازه» برای شاگرد، به منزله‌ی مدرکی اعتباری است که به تأیید استادان فن رسیده است و او به‌واسطه‌ی آن می‌تواند صاحب حرفه و پیشه شود.

- صدور سند اجازه از سوی استاد شخص و یا افراد جدیدی را به کسوت استادی آراسته می‌کند، تا به تقاضاهای متقاضیان پاسخ درخور و مناسب داده شود و استاد نیز همکاران تازه‌ای را در جمع خود پذیرا بشند.

- اسناد «اجازه» همچون مدارکی معتبر در مسیر تکاملی و پختگی فنون از جمله خوشنویسی و به لحاظ تاریخی و حدوث ابداعات و ابتکارات، بسیار حائز اهمیت است و می‌تواند به روشنی تحولات و تغییرات تدریجی و نقاط عطف در خوشنویسی و آموزش آن را نشان دهد.

- رسم اجازه‌ستانی و اجازه‌دهی، که از سنت‌های صوفیانه و مراسم کمر بستن فتیان اخذ شده است، نشان از برتری و وجهی اخلاقی و احترام‌آمیز بزرگداشت بزرگان صنف و پیشکوهستان باتجربه دارد و با سرکوبی بت نفس و تزکیه و پرهیز از خودخواهی شاگرد را به راه تقوی و تسلیم در مقابل حق می‌برد و به او گوشزد می‌کند انسان بودن مقدم بر خوشنویس بودن است. باید که وجهه معنوی و روحانی خود را بر وجه مادی ترجیح داد.

- سند «اجازه»، گواه گذر از مرحله‌ای است به مرحله‌ای بالاتر و دلیل استوارتری بر تشدید تلاش و افزودن بر مشاقتی و کسب تجربه و جدی گرفتن هنر خوشنویسی و یا هنر مورد نظر.

- سند «اجازه»، شاگرد را از استاد جدا نمی‌کند، بلکه او را بنده‌ی آموزگار خود می‌کند، تا گاه و بیگاه در جمع شاگردان استاد حضور یابد و از کمالات استاد بهره‌بردار، تا مگر آن فن نهایی را از استاد بیاموزد.

- سند «اجازه»، با آیات قرآن، احادیث، حلیه یا حدیث قدسی و نعت پیامبر آغاز می‌شود و برکت از نام و کلام خدا و بزرگان دین می‌گیرد. در این میان دعاهایی هم همراه نیایش، به پیشگاه باری تعالی تقدیم می‌شود که نشان از مراسمی کاملاً دینی و روحانی دارد و مهم‌تر این که به شاگرد گوشزد می‌کند که از دایره متعارف و رسم و راه دین خارج نشود و هنر را به کبائر و گناهان آلوده نکند و برای هنر خود تقدس قائل باشد و پیش و بیش از هر مشتتری و مخاطبی، خود پاسدار و حرمت‌گذار هنر خود باشد.

- از متن فتوت‌نامه‌ها می‌توان فهمید که حرفه و پیشه موازینی دارد و نیز از اسرار و رموزی برخوردار است. شخص صاحب اجازه که به کسوت استادان درآمده است، باید اسرار به غیر و نامحرم نگوید و موازین حرفه را که اصل آن به شجره تبارشناسانه، به مقدسین، پیامبران و ائمه و اولیاء می‌رسد، احترام بگذارد و تمام زیر و بم حرفه را بشناسد و به هنگام آموزش به شاگردان و نوآموزان چنان که در متون

«اجازه دارای دو روش بوده است: اجازه‌ی شفاهی که به بیان اجازه به صورت شفاهی و بدون نوشتن آن اکتفا شده، و دیگر اجازه‌ی محرر؛ یا مکتوب» (غنیمه، ۱۳۷۷، ۲۸۱). از روی این اسناد می‌توان به سنت‌های فکری و صحت آموزش‌های نحله‌های فکری و هنری و انشعابات ایجاد شده در این علوم پی برد و آنها را گواهی بی‌بدیل برای استواری سنت آموزش استاد شاگردی دانست. اعتبار علمی عالمان، استادان با اخذ این اجازه‌نامه‌ها به ثبوت می‌رسید و از محکم‌ترین دلایل صحت آموخته‌های اهل علم می‌توان به این اسناد رجوع کرد. شاگرد با اتمام تعالیم و آموزه‌های خود از استاد مدرک و سند فراغت از تحصیل اخذ می‌کند و اجازه‌ی هم‌پیشه شدن با استاد را می‌ستاند و با سند اجازه‌ای که از استاد یا استادان می‌ستاند، اعتبار از تزاقت و ارتباط علمی با هم‌پیشه‌گان را می‌یابد و مراجعین و شاگردان با اعتماد به آن سند می‌توانند به استاد نوکار رجوع نمایند و نیازهای خود را مرتفع کنند. از این رو حکمت وجودی آن در آخرین مرحله‌ی آموزش از اهمیت بسزایی برخوردار است

## ۲- حکمت «اجازه» ستانی از استاد

سنت اجازه‌ستانی از استاد از ارکان بنیادی نظام آموزش سنتی است که همه‌ی آثار و نشانه‌های شیوه‌ی آموزش استاد-شاگردی را با خود دارد. این رسم بخرد که بر استادمحوری در این نظام آموزشی تأکید دارد علاوه بر نقطه‌ی پایانی که بر اندوخته‌ها و آموخته‌های شاگرد می‌گذارد نقطه‌ی آغازی می‌شود برای بازیابی منش هنری شاگرد و شروعی برای خلاقیت‌ها و بدایع هنری کسی که استادی نوپاست و باید جایگاه هنری خود را تثبیت کند. از آن رو که نظام آموزش سنتی و به‌ویژه آموزش خوشنویسی سرشار نکات حکمت‌آمیز است، رسم اجازه‌ستانی و ادب اذن‌خواهی از استاد، آخرین حلقه‌ی آموزش سنتی استاد-شاگردی و ناظر به آداب معنوی، در جهت آموزش و پرورش سنتی هنر جو بوده، تربیت معنوی و الهی او را قرین موفقیت می‌نماید.

- رسم «اجازه» در آموزش هنر خوشنویسی، حاوی ویژگی‌هایی است که مهم‌ترین آنها به منزله‌ی اعلام فراغت از تحصیل شاگرد، در هر مرتبه و مرحله‌ای که استاد صلاح بدانند، محسوب می‌شود. این امر که همراه با مراسمی با حضور شاگردان و استادان برگزار می‌شود، مراسم و مناسک فراغت از تحصیل در علوم امروزی را به ذهن متبادر می‌کند.

در مراسم «اجازه‌ستانی» استاد، به انجام رساندن فن و ورزیده‌کردن شاگردان را؛ و شاگردان، آموختن و فراگیری مهارت‌های فنی خوشنویسی را از استاد و زیر و بم حرفه را، با شکیبایی تعلیم و مشاقتی، جشن می‌گیرند.

- «اجازه» صادره از سوی استاد، می‌توانست به منزله‌ی اختطاری به شاگرد و وضع شروطی برای ادامه کار او توسط استاد باشد، چنان که در یکی از اسناد اجازه به سال ۱۱۹۸هـ/۱۷۷۵م، استاد چنین شرط می‌کند: «به شرط آنکه کلمه‌ای واحد را به دو بخش تقسیم نکند و بر دو سطر ننویسد، همواره پس از ذکر نام شریف پیامبر اکرم عبارت «صلی‌الله‌علیه و سلم» را بنویسد و خود را با تکبر بالاتر از همتایان خود قرار ندهد، اجازه‌ی رقم زدن کتب را به او اعطا کردم» (شیمل، ۱۳۶۸، ۷۹).

- در سند «اجازه» چنان که گفته شد، تبار سبک و شیوه استادی

## ۳- «اجازه‌نامه» در خوشنویسی

چنان که گفته شد رسم اجازه‌دهی از سوی استاد و رساندن شاگرد به مرتبه استادی در حقیقت در صنف فتوت و در طریقت‌های صوفیانه از لحاظ آموزش تأمین نیروی کاردان برای رفع احتیاج بازار و سرپرستی شاگردان و نوآموزان بوده است. این سنت بسیار مهم که در مراکز علمی و آموزش علوم دینی و فقه در قبال آزمایش علمی و سنجش دانش شاگرد پس از امتحان و یا دادن دانشنامه در رشته ویژه خود اعمال می‌شد منجر به یقین درجه علمی و دریافت دانشنامه برای گواهی اینکه شاگرد تمام مراحل موردنظر در مدارج علمی را گذرانده است و برای کار و مسئولیت‌های علمی که بعضاً از حساسیت خاصی برخوردارند، آماده است و می‌تواند با این سند که به او مجوز فعالیت می‌دهد، بتواند تر از دوره‌ی شاگردی در خدمت استاد به کار خود ادامه دهد. برای خود کارگاهی، دفتری، مکتبی فراهم کند. شاگردانی به سبک و سیاق استاد خود پذیرش کند و با آموزش و فعالیت خود و خلاقیت و نوآوری و ابتکار در آموزه‌های پیشین خود راهی نو فراروی خود بگشاید و اسم و رسمی دست و پا کند و به واسطه‌ی آن به شهرت برسد.

ناگفته نماند که دریافت دانشنامه و احراز درجات علمی در نظام‌های آموزشی کنونی مراکز علمی و دانشگاه‌ها دقیقاً از رسم اجازه‌دهی و اجازه‌ستانی که در آموزش سنتی علوم و فنون مرسوم اخذ شده است و نظام آموزشی در هر دوره بدون آن به سرانجام و بازدهی نمی‌رسد و بدون بازخورد می‌ماند. بازخورد سامانه‌ی آموزشی رسم اجازه‌دهی و اجازه‌ستانی است که نظام آموزشی را اصلاح می‌کند و ارتباط جامعه با نظام آموزش را حفظ کرده و تأثیر و تأثر جامعه و سامانه آموزشی را واقعی و منطقی می‌نماید.

در آیین و رسم «اجازه‌ستانی» در اصناف فتوت و پیشه‌وران بازار، استادان طی مراسمی که منشأ آن به آیین جوانمردی در دوره باستان می‌رسد، از سوی نقیبان و پیران و سردمداران فتوت و اصناف پیشه‌ور بازار «اجازه» اخذ می‌کردند تا تبحر و مهارت خود را توسط استادان و بزرگان صنف گواهی کنند و آرام آرام به جرگه‌ی استادان و کارکشته‌گان حرفه دربیاید و طی آموزه‌هایی که در فتوت‌نامه‌ها درج است، باید به پیش‌کسوتان و پیران حرفه که به تناسب صنعت و پیشه به یکی از پیامبران و بزرگان و اولیاء دین می‌رسد اقتدا کند و پاسدار اسرار و رموز حرفه باشد. «اجازه‌نامه» هم اعتبار پیشه‌ور را در صنف نزد همکاران و استادان پیشین و شاگردان تازه حفظ می‌کند و هم سند معتبری نزد محاسب محسوب می‌شود و برای کاسبی و وجوه اقتصادی در بازار میان مشتریان سند اقتناع‌سازی خواهد بود.

در راسته فنون و هنرها در بازار کار با رقم و امضای فروتنانه‌ی استاد و شیئیت هنرمندانه‌ی اثر کار استاد و کارگاه او شناخته می‌شود و هنرشناسان، خبرگان و پیگیران اموری از این دست با دیدن اثر، سریعاً نشانه‌های کار استادان را از هم باز می‌شناسند و با رقم استاد در زیر اثر به قضاوت خود مطمئن می‌شوند.

در سیر رشد و تکامل خوشنویسی در ایران، طی سالیان متممادی روش «اجازه‌دهی»، «اجازه‌ستانی» مکتبی مرسوم نبوده است. هر چند اسنادی چند بر وجود «اجازه‌ی شفاهی» به شاگردان وجود دارد

فتوت‌نامه‌ها آمده، تمام و کمال، به شاگردی که شایسته و امانت‌دار است، بیاموزد.

گاهی یک سند «اجازه» را چندین استاد رقم می‌زنند و همدلی گروهی از صاحبان حرفه و استادان پیشه را در یک موضوع نشان می‌دهد، که بر تقویت صنف و رأی مستحکم خود اذعان دارند. از حکمت‌های صدور اجازه‌نامه آن است که جامعه هنری را ایمن می‌کند. به مخاطبان و مشتریان و خواهندگان هنر، دلگرمی اعطا می‌کند، تا سست‌خطان و ناواردان و ناهلان در این وادی به این فن شریف مبادرت نکنند و مجال جولان نیابند.

صدور سند «اجازه»، منجر به مجوز ترقیم اثر، توسط شاگرد می‌شود، که اعتبار اقتصادی و شهرت استاد را به همراه می‌آورد؛ از برکات این رسم شریف این که باعث رواج و رونق کوشندگان و فعالان این عرصه می‌گردد و از بطالت و هرزه‌کاری استادان می‌کاهد.

برپایی مراسم و مناسکی این چنین، برای معرفی و رشد شاگردانی که همه دانش یا غالب فنون یک رشته را آموخته‌اند و مسلط به کار مقدس خوشنویسی که هنری الهی است، در نوآموزان، شوق‌انگیز و نیروافزا است و با دیدن آن به روزهای آینده خود چشم می‌دوزند و تلاش خود را دوچندان می‌کنند؛ و نیز در روزگاری که فنون سنتی به ظاهر از رونق افتاده‌اند، این گونه آیین‌ها می‌تواند به هنرهای سنتی جان دوباره بدهد و آنها را از انزوای ساختگی‌شان خارج کند و با شور و شوق بسیار، جریان‌های هنری متأثر از زنده‌شدن هنرهای سنتی و بومی، موج تازه‌ای از جوانان را مشتاق پیگیری هنر خوشنویسی یا هنرهای وابسته کند.

این مراسم می‌تواند در هر برپایی، عده‌ای از دانش‌آموختگان و متبحرین فن را به جامعه هنری معرفی کند و کارنامه هنری آنان را روشن و پربرار نماید. آمار تعداد به حد بلوغ رسیدن جوانان استاد، می‌تواند در بررسی و پژوهش اقتصادی، اجتماعی و هنری نقش مهمی را ایفا نماید.

صدور «اجازه» در میان هنرمندان ایرانی به صورت شفاهی متداول بوده است و به‌ندرت تبدیل به سند کتبی، به شکل نمونه‌کار شاگرد و تأییدیه استاد بدل می‌شده است. استاد در طی آموزش و سرمشق دادن و دیدن آثار شاگرد به تبحر او پی می‌برد و ورودش را به استادی اعلام می‌نماید. سنت و آیین «اجازه»‌ی استاد با بلوغ هنری شاگرد و تکمیل آموزش‌ها، استادی شاگرد را نزد دیگر استادان و شاگردان و هم‌قطاران شاگرد، به شکل رودررو و شفاهی، بدون تشریفات خاصی، با اخلاص و فروتنی بیان می‌نماید.

علنی شدن مراسم دادن «اجازه» به هنرمندان، برکاتی دارد که هم شاگرد و هم استاد از آن بهره‌مند خواهند شد و به لحاظ فرهنگی، باعث تعالی و تجلی کارگاه استاد می‌شود و به لحاظ اقتصادی، چرخه‌ی کارآفرینی پر توان‌تر می‌چرخد و به لحاظ انجام امور هنری و تحریر و کتابت کتب و قطعات و مرقعات، سرعت و رونق ویژه‌ای توسط استادان تازه‌کار، به جریان خطاطی و روند خوشنویسی کشور اعمال می‌شود که خود باعث دعوت جوانان و نسل‌های پر توان و بااستعداد به این عرصه است.

در سنت اجازه‌ستانی از استاد شاگرد علاوه بر کسب اجازه‌ی هنر آفرینی به تأیید اخلاقی و کسب ملکات معنوی که از سال‌ها آموزش نزد استاد حاصل کرده است، نایل می‌آید و این اجازه‌نامه مهر تأییدی بر این پختگی و استادی است.



تصویر ۱- اجازه‌نامه حامدالامدی. ترجمه‌ی اجازه‌نامه: اجازه ستاند از استاد خود شیخ موسی حامدالامدی، از شاگردان محمد نضیف که خداوند گناهاش ببخشد و عیوبش ببوشاند، سنه ۱۳۳۸. ماخذ: (سایت Khoshnevisi.org).

دلایل گوناگون داشت. خوشنویسان عثمانی حقیقتاً باور داشتند که بخشی از سلسله‌ی استادان این هنرند. سلسله‌ای که به شیخ حمدالله و پیش از او بازمی‌گشت. ذکر نام استاد در رقم، نشان از این داشت که خطاط از کدام کس کسب اجازه کرده است. اما این رابطه چیزی فراتر و پیچیده‌تر از رابطه‌ی عادی شاگرد و استاد بود. در این رابطه، تنها فن و مهارت تدریس نمی‌شد، بل در این فرایند، شاگردان راه عالمانه و آدمیانه زیستن را نیز از استاد فرامی‌گرفتند» (صفوت، ۱۳۷۹، ۴۰).

در این میان سپردن «اجازه» از سوی استاد به شاگرد، بار مسئولیت را بر استاد مستولی می‌کرد که در میان شاگردان خود افراد با استعداد و زبده را شناخته و نیز افرادی با فراگیری و پشتکار نازل‌تر را بازشناساند، تا هنگام اجازه‌دهی، به‌دور از تعارفات و رسوم دست‌وپاگیر متعارف، آزادانه به شاگرد رسیده و پخته، مجوز در خور اهدا نماید. از سوی شاگرد، مقصد فراگیری و مشاقتی در هر مرحله، رسیدن به حدی از مهارت است که استاد او را شایسته‌ی کسب مجوز و نیز در پایان آموزش‌ها ورود به جرگه‌ی استادان بداند.

#### ۴- امتحان استاد برای دادن «اجازه» به شاگرد

روش سنتی اجازه‌دهی استاد به شاگردان در میان خوشنویسان عثمانی بدین‌گونه است که شاگرد چندین سطر و یا صفحه‌ای خوشنویسی کرده، به منظور کسب اجازه به استاد می‌دهد و استاد به کار، با نگاه کارشناسانه و با قصد ارزیابی مهارت شاگرد، می‌نگرد. آن‌گاه اثر شاگرد به سنجهی دقیق مورد سنجش قرار می‌گیرد و استاد بعضاً با مشورت با استادان دیگر، با درج حدیث، کلمات حکیمانه و یا آیه‌ای از قرآن کریم، «اجازه‌ی» خوشنویسی را به شاگرد خود اهدا می‌کند. در این لوح خوشنویسی، شاگرد هرگز نام خود را نمی‌نویسد و این نام‌نویسی در اجازه را استاد به عهده می‌گرفت؛ به شکلی که در قالب تعیین شده و فضای خالی زیر مرقع که به حلیه‌ی تذهیب هم آراسته می‌شد، توسط استاد قلمی می‌شد. استاد به شاگرد، بنا به سطوحی که در آن خط‌آموزی می‌کرد، «اجازه»‌های گوناگونی که حاکی از مرتبه‌ی اوست، می‌داد. واژه‌های مرسوم استادان برای مراتب آموزش خوشنویسی و سپردن اجازه به شاگردان عبارت بود از: «سوّد، نَمَق، رَقْم، حَرَر».

و استادان در مراسمی که شاگردان و همکاران خود در آن حضور داشته‌اند، به استادی شاگرد یا جمع شاگردانشان اذعان می‌داشتند و کار به همین سادگی و با مراسمی بدون تشریفات پایان می‌یافت و شاگردان با شور و اشتیاقی افزون بر گذشته، به فعالیت‌های حرفه‌ای خود می‌پرداختند و کار فیصله می‌یافت و استاد دایره‌ی دوستان و متبهرین را همچنان به گرد خود حفظ می‌کرد و به انتشار شیوه‌ی حرفه‌ای خود می‌پرداخت و از عواید آن بهره‌مند می‌شد.

اما باید اذعان کرد که رسم «اجازه» ستانی میان خوشنویسان عثمانی به شکل یک سنت پایدار و متداول بدل شده است و از دیرباز، اسناد این «اجازه‌ها» همچنان با همان سیاق پیشین با تداوم تا به امروزه صادر می‌شود و به منزله‌ی فراغت از تحصیل شاگرد در هر مرتبه‌ای که آموزش می‌بیند، محسوب می‌شود. «اجازه‌هایی هم که استادان خوشنویس عثمانی می‌دادند در واقع رخصت ترقیم (امضاء) اثر بود که از سوی استاد به شاگرد منتهی داده می‌شد و گرنه این‌گونه امور اعتباری به خصوص در هنر، چیزی را مسلم نمی‌دارد و به قول خواجگان نقشبند «از سلسله کسی به جایی نرسد» زیرا در عرصه‌ی هنر و به‌خصوص خوشنویسی هر سطر نوشته، به تنهایی مایه‌ی کار و حد توانایی پدیدآورنده‌ی خود را در یک نگاه بر اهل شناخت نمایان می‌سازد» (بختیار، ۱۳۸۳، ۲۲).

اسناد «اجازه» به لحاظ سند آموزشی از اهمیت بسزایی برخوردار است. در این اسناد تبار علمی استاد و خلیفگان و پیران و شیوه‌ی هنر خوشنویسی که شاگرد در آن قلم می‌زند و نیز مرتبه‌ی استجازه توسط شاگرد درج می‌شود. از این اطلاعات می‌توان سیر استکمالی هنر خوشنویسی و تغییرات شاگرد را طی سالیان فعالیت خود و آثاری را که ترقیم نموده است، بررسی کرد و تحلیل اسناد مذکور می‌تواند کار نقد در هنر خطاطی را به نتایج پرباری برساند و پژوهش را امکان‌پذیر نماید.

در سنت حسنه استجازه که در شیوه آموزش هنر خوشنویسی عثمانی مرسوم است، خوشنویس در هر مرتبه‌ای از آموزش و فراگیری که قرار داشت، نام استاد خود را در پایین اثر ذکر می‌کند و این احترام به استاد در آموزش هنرهای سنتی همواره وجود داشته است. وجوه اخلاقی و تهذیب نفس و مبارزه با خودخواهی و بت نفس که از آموزه‌های اصلی ادیان الهی است، همواره به شاگرد گوشزد می‌شود. «این ادای احترام [به استاد و پیشکسوتان]



تصویر ۲- اجازه نامه آقای بابریس خانم افندی. ترجمه‌ی متن اجازه‌نامه: به نام خداوند بخشنده‌ی بخشایشگر، سیاس‌خداایی که لوح و قلم را آفرید، و آموخت انسان را به آنچه نمی‌دانست و درود خداوند بر حضرت محمد(ص)، پیامبر امی‌ای که از همه داناتر است و درود بر خاندان و یاران وفادار ایشان. پس از این، اجازه می‌دهم به نگارنده‌ی این قطعه‌ی شریف، جناب آقای بابریس خانم افندی که اسمش را در زیر قطعات خوشنویسی‌اش بنویسد. خداوند بر عمر و توفیق‌شان بیفزاید و من استاد ایشان، فقیر و گویای به ضعف خود، حسین امام معلم ایشان از شاگردان استاد حامدالامدی که او هم از شاگردان ضعیف‌امدی بوده، هستم که خدایش بخشاید و عیوبش ببوشاند، آمین به حرمت سرور پیامبران با سیاس از خداوند دو سرا، در رجب ۱۴۲۴.

ماخذ: (Khoshnevisi.org).

## ۵- شیوه‌ی درخواست اجازه از استاد

شاگردی که می‌خواست از استاد کسب «اجازه» کند، چند سطر را به عنوان نمونه‌ی کار و یا به حکم امتحان خط، بر کاغذی دلخواه، اغلب تذهیب شده و با جدول کشی و به قاعده‌ی کاغذ رنگ و لعاب‌دار مرقعات پرکار، از آیات شریف قرآن مجید یا حدیث و یا حلیه‌ای<sup>۱</sup> در نعت پیامبر(ص) می‌نوشت و همه‌ی استعداد و توانایی خود را به کار می‌گرفت، تا سرآمد قدرت دست و فن‌دانی و تبحر خود را به نمایش بگذارد و آن‌گاه، آن را بدون این که نام خود را بر آن بنگارد به نزد استاد برده، تقدیم می‌کند تا او قضاوت کند. اگر شایسته‌ی کسب «اجازه» بود، استاد در پایین آن فضایی که در جدول کشی برای این منظور نشان شده‌است و در سنت این مرقعات مرسوم است، «اجازه» را به شاگردش کتبا می‌سپارد. غالباً عباراتی که استادان برای سپردن «اجازه» به شاگردان به کار می‌برند، بسیار ساده و معروفند. «عباراتی از این قبیل: «اذنت بوضع الکتبه تحت الکتبه...»، «اذنت و اجزت بوضع الکتبه لنامق...»، «اذنت لکاتب هذه اللوحه...»، «فقد استأجرتنی ناقش هذا الرقم فاجزت...»، که همه مبین آن است که به شاگرد اجازه می‌دهم از واژه‌ی «کتبه» استفاده کند؛ یا آنکه صریحاً نوشته می‌شود «اذنته بان یکتب اسمه تحت خطوطه»، «اذنت لکاتب هذه اللوحه (فلان) ان یکتب اسمه تحت خطوطه...» به معنای آنکه اجازه می‌دهم شاگرد (فلان) نام خود را زیر کتابتش بنگارد» (میرخلف، ۱۳۸۵، ۹۹).

سنت اجازه‌ستانی از استاد که بر اساس استادمحوری آموزش سنتی بنا نهاده شده‌است، گواهی دیگر بر سنت مراد و مریدی است که از سلسله‌های تصوف و میراث عرفا اخذ گردیده است. در نظام آموزش سنتی چنان که گفته شد، بر آموزش بدون استاد نهی شده‌است و استاد حلقه‌ی واصل شاگرد به سلسله‌های پیشین و استادان گذشته است و سلسله همان اساس پیشه است که شاگردان باید به آن گردن نهند و سنت‌های آموزشی آن را به گوش جان گیرند و بعدها به نسل‌های پس از خود بسپارند. پس در سنت اجازه‌ستانی جایگاه استاد رفیع‌ترین منصب برای هنرآموزی و فراغت از آموزش‌ها برای شاگرد محسوب

بیش‌ترین و مهم‌ترین جمله «اجازتَه بود الکتبه» به معنی «اجازه می‌دهم او از واژه‌ی کتبه استفاده کند»، بوده است. در کنار رقم خوشنویس خواه صاحب اجازه بود یا نه، واژه‌های مختلفی را چون: «سوَد، نَمَق، رَقْم، حَرَز» به کار می‌برد. خوشنویس حتی پیش از کسب اجازه، می‌توانست از هر کدام این واژه‌ها استفاده کند. تنها، استفاده از واژه‌ی «کتبه» دست‌کم در ترکیه عثمانی، برای همگان مجاز نبود (همان، ۴۰).

کسب «اجازه» در خوشنویسی کار آسانی نیست و به سال‌ها تلاش و کوشش پی‌گیر نیاز دارد. چنان‌که رسم بوده است، شاگرد نخست موفق به کسب «اجازه‌ی تسوید» که با عبارت «سوَدَه» امضا می‌شد، سپس به مرتبه‌ی «مَشَقَه» می‌رسید و تا اخذ اجازه‌ی «کتبه» که معادل استادی محسوب می‌شد تلاش مستمر می‌کرد. در درجه‌بندی انجمن خوشنویسان ایران نیز، معادل رتبه‌های مذکور چنان که گفته شد، مرتبه‌های «مبتدی، خوش، عالی، ممتاز و فوق‌ممتاز» برای آموزش هنرجویان طراحی شده‌است. در هر دوره پس از پذیرفته شدن در امتحان پایان درس، هنرجو به مرتبه‌ی بالاتر ترقی می‌کند.

کسی که موفق به کسب «اجازه» واژه‌ی «کتبه» می‌شد، مسلماً به استادی نائل آمده بود و استاد در زیر لوح‌نوشته‌ی او، این را گواهی می‌نمود و او به سلک استادان می‌پیوست. «با گرفتن اجازه‌ی نوشتن واژه کتبه به بالاترین مرتبه می‌رسید» (شیمیل، ۱۳۶۸، ۸۷).

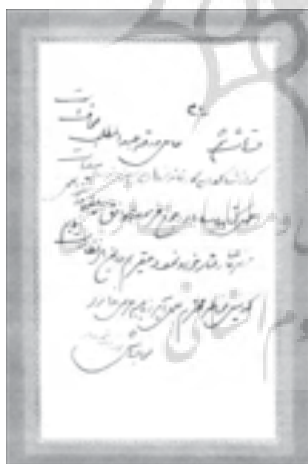
چنان که در تشریفات و احترامات صوفیانه نسبت به پیشکسوتان و پیران مرسوم بوده است، ممکن بود شاگرد پس از کسب اجازه از استاد خود، از استاد مورد احترام خود نیز که از او درس نگرفته است، تنها به پاس احترام، کسب اجازه کند و در شیوه احترام‌آمیز صوفیان، ستاندن خرقة تبرک از شیخی دیگر را تداعی می‌کند. «طرح ادب اجازه در حوزه‌ی خط و کتابت مأخوذ از آداب پیری و مریدی خانقاه تواند بود» (مایل هروی، ۱۳۸۰، ۱۹۴).

شاگردی که مرتبه‌ی «کتبه» را احراز می‌کرد، می‌توانست به انواع خطوط که توانایی داشت، کتابت نماید. اما این شامل خطوطی که خوشنویس با مهارت نمی‌نویسند و در مرقع خود نیآورده بود، نمی‌شد.



تصویر ۳- اجازه‌نامه آقای افندی. ترجمه‌ی متن اجازه‌نامه: به نام خداوند بخشنده‌ی بخشایشگر، سیاس‌خداایی که لوح و قلم را آفرید، به انسان علم و آگاهی عطا فرمود و درود خداوند بر حضرت محمد(ص)، پیامبر امی‌ای که از همه داناتر است و درود بر خاندان و یاران وفادار ایشان. اما بعد اجازه می‌دهم به کاتب این قطعه‌ی مبارک و نیکو، جناب آقای افندی که نامش را در زیر خوشنویسی‌اش بنگارد. و من استاد حسین معلم ایشان هستم که خداوند بیخشايد مرا، آمین.  
ماخذ: (Khoshnevisi.org).

بعد متن اجازه‌نامه را که در اندازه‌های بزرگ در زیر نمونه خط هنرآموز در قابی زیبا نهاده‌اند، به نمایش می‌گذارند و با شرح کوشش‌های هنرجو برای هنرآموزی و مشاقتی، هدایایی به همراه قاب اجازه‌نامه که به امضای استاد رسیده‌است، به او اعطاء می‌شود. پس از مراسم، نمایشگاهی از آثار شاگردان شرکت‌کننده در مراسم اجازه‌نامه برپا می‌شود تا نشاط هنرجویان در اثر به نمایش گزاردن آثارشان در کنار آثار بزرگان و اساتید فن کامل شود.



تصویر ۴- «اجازه‌نامه»ی صحاف‌باشی به عبدالمطلب صحاف.  
ماخذ: (فیضی، ۱۳۸۰، ۴)

می‌شود. اجازه تنها در فن‌آموزی نیست، بلکه حلقه و سلسله‌ی معنوی شاگرد را نیز تضمین می‌کند و اجازه، علاوه بر اتصال سبک و ویژه‌ی پیشه به استادان سلف، به لحاظ روحانی و طی منازل معنوی نیز، شاگرد را به سرسلسله‌ی زکیه‌ی شریف هنرمندان متصل می‌نماید و شاگرد نیز برای خوشنویس شدن و توفیق در هنر خویش باید علاوه بر تلاش وافر، به بزرگان و درگذشتگان متوسل شده و با التجاء به ارواح طیبه‌ی اساتید حرفه به لحاظ ذهنی، کسب توانایی روحی کند تا به منازل بالاتر معنوی عروج یابد. «خوشنویسان بر آن بوده‌اند که هر رشته و شیوه باید از طریق نسل‌های استادان و بنیان‌گذاران به سرسلسله‌ها پیوند بخورد. در زمینه‌ی خط نسخ، این سرسلسله یاقوت مستعصمی<sup>۳</sup> است و در ممالک عثمانی سه قرن پیش، شیخ حمداله آماسی<sup>۴</sup> و حافظ عثمانی<sup>۵</sup>؛ و در رشته‌ی نستعلیق، این سلسله به میرعلی تبریزی<sup>۶</sup> و سلطانعلی مشهدی<sup>۷</sup> و میرعلی هروی<sup>۸</sup> و در دوره‌های بعد به میرعمادالحسینی<sup>۹</sup> ختم می‌شود. در شکسته، میرزا شفیعا<sup>۱۰</sup> و سید گلستانه<sup>۱۱</sup> و به ویژه درویش عبدالمجید<sup>۱۲</sup> جایگاه ویژه‌ای دارند» (همان).

در مراسم جشنواره‌گونه‌ی اعطای «اجازه» به شاگردان؛ استادان، هنرجویان و دوستداران هنر خوشنویسی در مسجد جامع یا تالاری با شکوه گردهم می‌آیند. آن‌گاه هنرجویان خواهان اجازه یک‌به‌یک به روی صحنه فراخوانده می‌شوند. سپس یکی از استادان و پیشکسوتان به همراه بزرگان دیگر برای اعطای اجازه‌نامه به شاگرد دعوت می‌شوند.

## نتیجه

فارغ‌التحصیلی شاگرد است که باید ادامه‌ی راه و کسب معارف اخلاقی و نیز تجربه‌های حرفه‌ای را خودبسنده، با همت و سخت‌کوشی پی‌بگیرد، تا او هم که استادی تازه‌کار شده، در زمره‌ی هنرمندان سخته و متبحر پذیرفته شده، قد علم کند و پاسدار حرمت استاد، تعلیم و صنف خود باشد.

استاد شاگرد را با شیوه‌ی آموزش استاد-شاگردی که ریشه در فرهنگ سنتی شرقی دارد تعلیم داده، او را به استادی نائل می‌کند. تا این روند فرهمند که از سلسله‌ی استادان سلف به او رسیده‌است، پایدار

در نظام آموزش سنتی که بر پایه‌ی آموزش استاد-شاگردی استوار است، نقش استاد برای آموزش خوشنویسی و نیز هدایت شاگرد در ترک رذایل و کسب ملکات معنوی و روحانی بسیار حائز اهمیت است. در آخرین مرحله‌ی آموزش، هنرآموز با طی مراحل عیدیه‌ی آموختن و ستاندن اجازه از استاد یا استادان خود تجربه‌ها اندوخته و بر طبق هنجارهای سنت پیشه‌وری به مقصود می‌رسد. استاد نیز با سپردن «اجازه» به شاگرد تمام آموخته‌های خویش را به حاصل دسترنج خود تقدیم می‌دارد. سپردن «اجازه»، آیینی حکمت‌آمیز و به منزله‌ی

مناسک سپردن اجازه و همایش‌های معرفی استادان نوپا به جامعه‌ی هنری رونق و امید تعالی به هنرهای سنتی بازمی‌گردد و می‌توان به ترقی و توسعه‌ی آن چشم داشت. استادان ارج و قرب می‌یابند و آنان نیز در محیطی احترام‌آمیز به تعالی و شأن روحی که درخور آنان باشد، نایل می‌شوند. انزوا و عزلت چاره‌ی فراگیری هنر والای خوشنویسی نیست. بلکه ابزار خوشنویس شدن، در مشق‌های پیاپی و نفس‌گیر است تا شاگرد با خویشتن‌داری به اعتمادبه‌نفس و صفای دل برسد. جز راهنمایی استاد فرهیخته که تا سپردن «اجازه» و استادی او را همراهی می‌کند به عامل دیگری نیندیشد. استادان خوشنویس با اجماع، همگرایی و هم‌افزایی خود و دور افکندن سلاطین ناصواب، با زنده‌کردن آداب معنوی و شوق‌انگیز هنر خوشنویسی، چون سنت «اجازه‌ستانی»، پر رنگ کردن مراسم آن، برپایی نمایشگاه‌های خطوط استادان نوپایی که موفق به ستاندن اجازه شده‌اند، انگیزه‌های رشد و تحرک را در جوانان و خواهندگان آن ایجاد نمایند. از این رو پژوهندگان هنر می‌توانند با نقد روند و شرایط رو به اضمحلال هنرهای سنتی و از جمله خوشنویسی بر سازوکار قوت‌بخشیدن و رشد این هنر والا نقش مؤثری ایفا نمایند.

بماند و جامعه‌ی هنری به غنای فرهنگی برسد. رسم «اجازه‌ستانی» از استاد، ادامه‌ی سنت آموزش استاد-شاگردی است که در آن بر حرمت نهادن استاد و محوریت او تأکید می‌شود. علاوه بر منش استاد به سبک و سلوک اخلاقی او نیز توجه شایانی می‌شود و شاگرد را چنان چون فرزند که به پدر شناخته می‌شود، به پدر روحانی خود یعنی استاد اجازه‌دهنده شناخته می‌شود. زیرا بدون استاد آموختن و بدون پیشوا به کار و پیشه پرداختن خلاف سنت و کاری بی‌بنیان است. پیشه به شاگردی کردن نزد استاد و سنت آموزش استاد-شاگردی استوار می‌ماند.

اجازه‌ستانی در هر مرحله از آموزش ذومراتب خوشنویسی که نمونه‌ی نسبتاً کامل آموزش سنتی هنر است، شاگرد را برای آغاز مرحله‌ی بعد کفایت می‌کند و استاد با هدایت شاگرد، او را تا سپردن اجازه‌ی استاد شدن و ورود به صنف پیش می‌برد. تا استاد تازه‌کار با رغبت و تجربه‌اندوزی و همت وافر به آموزش شاگردان بپردازد. جامعه‌ی هنری با فراهم نمودن سازوکار آموزش سنتی هنر و با بازنگری در کمبودها و کاستی‌های آموزش خوشنویسی می‌تواند روح تازه‌ای به کالبد نحیف این هنر والا بدمد. برای نمونه با زنده کردن آیین‌ها و

## پی‌نوشت‌ها

مدفون است.  
۸ میرزا شفیعا: محمد شفیع هروی حسینی معروف به شفیعا(نیمه‌ی دوم قرن یازدهم و نیمه‌ی اول قرن دوازدهم هجری) ایشان استاد درویش عبدالمجید طالقانی در خط شکسته بوده است.  
۹ سید علی اکبر گلستانه: متولد ۱۲۷۴ق در اصفهان، ملقب به احتشام‌السادات، ادیب و هنرمند بود که در تهران مقیم شد و به سال ۱۳۱۹ش درگذشت.  
۱۰ درویش عبدالمجید: در ۱۱۵۵ق در طالقان زاده شد و در ۱۱۸۵ق درگذشت. او از برجسته‌ترین استادان خط شکسته‌ی نستعلیق است که این هنر را به کمال رسانده است. او شاعر نیز بود و با تخلص خموش و مجید شعر می‌سرود.

## فهرست منابع

بختیار، مظفر (۱۳۸۳)، سند اجازه در خوشنویسی، کتاب‌ماه هنر، ش شصت و نه و هفتاد، ص ۲۲.  
بیانی، مهدی (۱۳۶۳)، احوال و آثار خوشنویسان، انتشارات علمی، تهران.  
شمیل، آن‌ماری (۱۳۶۸)، خوشنویسی و فرهنگ اسلامی، ترجمه: اسدالله آزاد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.  
صفوت، نبیل. ف. و ناصر د. خلیلی (۱۳۷۹)، هنر قلم، تحول و تنوع در خوشنویسی اسلامی، ترجمه: پیام بهتاش، نشر کارنگ، تهران.  
فضایلی، حبیب‌الله (۱۳۶۰)، تعلیم خط، انتشارات سروش، چاپ دوم، تهران.  
فیضی، حسن (۱۳۸۰)، برگی از تاریخ صحافی، نامه بهارستان، ش ۴، ص ۲۸۱.  
غنیمه، عبدالرحیم (۱۳۷۷)، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه: نورالله کسایی، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۳، تهران.  
مایل هروی، نجیب (۱۳۸۰)، تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.  
معین، محمد (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی، انتشارات امیر کبیر، چ هشتم، تهران.  
میرخلف، سیدکمال (۱۳۸۵)، آیین اجازه در میان خوشنویسان ترکیه، مجله‌ی گلستان هنر، ش ۴، صص ۹۷-۱۰۱.

۱ حلیه: به اشعار و جملاتی در توصیف سجایای پیامبر (ص) گفته می‌شود. واژگانی که ویژگی‌های ظاهری، سلوک و منش پیامبر اسلام (ص) و یا دیگر اولیای بزرگوار دین را تصویر می‌کند.  
۲ یاقوت مستعصمی، جمال الدین عبدالله یاقوت در آماسیه به دنیا آمد. گویند برده‌ای بود رومی یا حبشی در دربار خلیفه‌ی عباسی. اقلام ششگانه را به خوبی می‌نوشت. در سال ۶۹۸ق وفات کرد. مقبره‌ی او مجهول است.  
۳ شیخ حمداله آماسی، در شهر آماسیه‌ی ترکیه در ۸۳۳ق زاده شد. او با رقم حمداله بن الشیخ کتابت می‌کرد. او با اسلوب خاصی از شیوه‌ی یاقوت مستعصمی شروع کرد و لقب قبله‌الکتاب را گرفت. شیخ حمداله ۴۷ قرآن و دهها طومار و مرقع نوشته است. وی در سال ۹۲۶ق درگذشت.  
۴ میرعلی تبریزی، او مبدع خط نستعلیق است که به بسیاری از خطاطان پس از خود این خط را آموزش و انتشار داد.  
۵ سلطانه‌ی مشهده‌ی (۹۲۶-۸۴۱ق) از بزرگان و استادان خط نستعلیق بود که در مشهد زاده شد، هم زمان با ولادت او زمان حکومت سلطان شاه رخ در خراسان بود. او که مشهور به «سلطان الخطاطین» است، رساله‌ی «صراط السطور» در باره‌ی تعلیم خوشنویسی از اوست. سلطانه‌ی تعلیم خوشنویسی نزد استاد ندیده بود، پس از سرمشق‌های مولانا اظهر بهره می‌گیرد بعد از آن مولانا اظهر سلطانه‌ی را به شاگردش حافظ حاجی محمد می‌سپارد، پشتکار مولانا سلطانه‌ی مثال زدنی است تا سلطان حسین میرزا او را به دارالسلطنه‌ی هرات طلبیده، در کتابخانه‌ی خاصه جا داده و مولانا به کتابت خاصی نواب اشتغال می‌یابد. او بیشتر عمر خود را در دربار سلطان حسین بایقرا در هرات و نزد ملازمان فرهیختگان او امیرعلیشیر نوابی، عبدالرحمن جامی و کمال الدین بهزاد گذراند و بزرگ کاتبان دربار بود. (ن. ک. به ازند، ۱۳۸۹، ۴۵-۳۷)

۶ میرعلی هروی: از اساتید و بزرگان خط نستعلیق است. در سال ۸۸۱ق در هرات زاده شد و نزد زمین‌الدین محمود و سلطان علی مشهده‌ی درس خط گرفت. در دیوان انشا در دوره‌ی سلطان حسین بایقرا اشتغال داشت. در حمایت صفویه در آمد و در ۹۵۱ق درگذشت. وی منشی و شاعر نیز بود. به کاتب تخلص می‌کرد و با نام‌های علی، فقیرعلی، میرعلی، علی‌الکاتب، علی‌سلطانی، علی حسینی، میرعلی‌الکاتب، علی حسینی هروی علی‌الکاتب السلطانی کتابت می‌کرد.

۷ میرعمادالحسنی، عمادالملک بن ابراهیم الحسنی (۹۶۱-۱۰۲۴ق) در قزوین زاده شد. از بزرگان و استادان خط نستعلیق است که در مسجد جامع مقصود بیک